

## دولت در اقتصاد

### Government in the economy

#### ۱ - نظریه‌های اقتصادی دولت

دولت در تأمین و بهبود رفاه عمومی، حمایت و ارتقای اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود نقشی کلیدی دارد. گوستا اسپینگ-اندرسن (Gosta Esping-Andersen, 1990) سه نوع دولت دموکراسی اجتماعی، محافظه‌کار (Conservative) و لیبرال را مطرح کرد. دولت دموکراسی اجتماعی برابری استانداردهای بالای زندگی، نه حداقل نیاز، را ترویج کرده و از اصل کمک به همه شهروندان و امکان دسترسی عام به منافع و خدمات شهروندی حمایت می‌کند. دولت دموکراسی اعتقاد دارد سطح زندگی مطلوب باید مستقل از بازار باشد، یعنی "کالازدایی" (Decommodification) در سطح بالایی قرار دارد. دولت محافظه‌کار، که اسپینگ-اندرسن آن را صنفی‌گرا (corporative) نامید، بر اساس اصل پرداخت یارانه و اجرای طرح‌های بیمه‌های اجتماعی است. دولت محافظه‌کار با ارزش‌های سنتی خانواده شکل یافته و تمایل به تشویق کمک‌های خانوادگی دارد. دولت محافظه‌کار فقط وقتی اقدام به کمک می‌کند که خانواده امکان کمک به اعضای خود را نداشته باشد. محافظه‌کار یک سیستم شرکتی می‌خواهد که سلسله‌مراتب را حفظ کند، یعنی در سطح متوسط "کالازدایی" قرار دارد. دولت لیبرال مبتنی بر بازار است. ارائه خدمات رفاهی بر عهده بازار بوده و دولت وظیفه نظارت بر عملکرد بازار را بر عهده دارد. کمک به افراد کم‌درآمد بر اساس سنجش استحقاق است و فقط کسانی می‌توانند از این کمک‌ها بهره‌مند شوند که اثبات کنند ثروت و درآمد آنان کمتر از حد معین است. لیبرال تا حد ممکن کارگران را به بازار کار وابسته کرده و انگیزه کسب درآمد بیشتر را تقویت می‌کند، یعنی "کالازدایی" در پایین‌ترین سطح است. دولت لیبرال برای مسائل اجتماعی راه حل بازاری و از طریق تضمین حداقل درآمد یا پرداخت یارانه تجویز می‌کند.

بنابراین، دولت لیبرال بر اساس اصل نیاز، عملکرد بازار و ارائه خصوصی کمک‌ها قرار دارد و دولت تنها در جهت از بین بردن فقر و تأمین نیازهای اساسی دخالت می‌کند.

نقش دولت در اقتصاد را می‌توان بر مبنای ایدئولوژی و تحت چهار دولت: سرمایه‌داری آزاد، سوسیالیستی، رفاه اقتصادی و رفاه اجتماعی توضیح داد (Gildenhuis, 1988). بر حسب نظریه سرمایه‌داری آزاد هدف اصلی دولت فراهم آوردن محیطی است که امکان رقابت آزاد میان شهروندان برقرار باشد. دولت از طریق نظارت بر اجرای قراردادهای شهروندان خود حمایت کرده، از افراد و دارایی‌های آنان محافظت می‌کند و امنیت جامعه را برقرار و از مرزهای کشور دفاع کرده و در این چارچوب دولت را ترویج می‌کند (Gildenhuis, 1997:6). دولت سوسیالیستی از این منظر که مالکیت خصوصی و سرمایه‌داری آزاد را تشویق نمی‌کند با سرمایه‌داری آزاد متفاوت است. سوسیالیزم بر توزیع مجدد درآمد و منافع اجتماعی تأکید دارد. سوسیالیزم وظایف کنترل بازار، توزیع درآمد و تأمین خدمات رفاهی همه شهروندان را برای دولت قائل است (گیلدنحویس، ۱۹۸۸: ۸). نقش دولت رفاه اجتماعی تأمین حداقل استاندارد زندگی خوب برای همه شهروندان از طریق ارائه آموزش، حقوق بازنشستگی، مراقبت‌های پزشکی، مسکن، فضای مناسب کسب‌وکار و بیمه بیکاری است. دولت رفاه اجتماعی محیط فعال به گونه‌ای که تضمین‌کننده فرصت‌های برابر برای همه شهروندان باشد را فراهم می‌آورد (همان: ۹). دولت رفاه اقتصادی بر رفاه اقتصادی افراد تأکید می‌کند و بر اساس ارزش‌های دموکراتیک، سرمایه‌گذاری آزاد و حداقل دخالت در اقتصاد قرار دارد. هدف دولت رفاه اقتصادی آن است که محیطی را فراهم آورد که در آن فرد آزاد باشد رفاه اقتصاد شخصی خود را به گونه‌ای که رفاه شخصی وی تأمین شود، توسعه دهد. همچنین، دولت رفاه اقتصادی روابط میان افراد را از طریق سیستم قضایی مستقل براساس اصول قانونی مشترک تنظیم می‌کند (همان: ۱۶).

## ۲- اندازه دولت

اندازه دولت از مباحث مهم و مجادله‌آمیز در اقتصاد به‌شمار می‌رود و از جهات گوناگون از قبیل اندازه بهینه و اثر بر متغیرهای اقتصاد کلان مورد توجه است. اندازه دولت به اینکه وابستگی اقتصاد به بازار چگونه است و نهادهای خصوصی چه تحولی پیدا کرده‌اند مربوط می‌شود. این موضوع به نوبه خود با دیدگاه درباره دولت در ارتباط است. ویتو تانزی (2011) دیدگاه‌های درباره اندازه دولت را به دولت حداقل و دولت حداکثر طبقه‌بندی کرد. سؤال مهم آن است که چه عواملی تعیین‌کننده اندازه دولت است؟ اما سؤال مهم‌تر آن است که منظور از اندازه بهینه دولت چیست؟ دولت باید بزرگ یا کوچک باشد؟ واضح است پاسخ نقاط حدی صفر یا صد صحیح نیست. آرمی (1995) استدلال کرد نبود دولت در اقتصاد موجب هرج‌ومرج شده، حفاظت از حقوق مالکیت، تولید کالای عمومی و اصلاح عوامل بیرونی (externalities) ممکن نمی‌شود و تولید سرانه اندک خواهد شد. با توجه به سلب انگیزه از بخش خصوصی و تخصیص نامطلوب منابع، اندازه دولت نمی‌تواند صد درصد شود. براساس مطالعه بارو (1990)، اندازه دولت دو اثر متضاد بر رشد اقتصادی می‌گذارد. از نظر بارو اندازه بهینه دولت آن اندازه‌ای است که رشد اقتصادی حداکثر شود. نتایج مطالعات تجربی حکایت از آن دارد که مانند منحنی لافر (Laffer) رابطه میان اندازه دولت و رشد اقتصادی، معکوس U شکل بوده و به نام‌های "منحنی آرمی (Armey)", "منحنی ران" (Rahn) و "منحنی بارس" (Barro, Arme, Rahn, Scully) شناخته شده است. بارو (1990) استدلال کرد در نقطه آستانه، اندازه دولت بهینه بوده و تولید نهایی خدمات دولت برابر واحد است و از آن با عنوان قاعده بارو نام برده می‌شود. کاراس (Karras, 1996) با استفاده از قاعده بارو اندازه بهینه دولت را برآورد کرد.

## ۳- نظریه رشد مخارج عمومی پیکاک و وایزمن

پیکاک (Peacock) و وایزمن (Wiseman) با استفاده از داده‌های کشور انگلستان مطالعه تجربی مهمی انجام دادند که یکی از بهترین تحلیل‌های سری زمانی رشد مخارج عمومی به‌شمار می‌رود و به‌عنوان تئوری سمت عرضه مخارج عمومی شناخته می‌شود. فروض اساسی تحلیل پیکاک و وایزمن عبارتند از: ۱- دولت همواره می‌تواند راه‌های مفید برای هزینه کردن منابع موجود پیدا کند، ۲- به‌طور معمول شهروندان حاضر به قبول پرداخت مالیات بیشتر نیستند. ۳- دولت باید به خواسته‌های شهروندان خود توجه کند. بر مبنای این فروض پیکاک و وایزمن مفهوم کلیدی "سطح قابل قبول مالیات" را نتیجه‌گیری کردند. در وضعیت عادی اقتصاد مخارج دولت یک روند رشد تدریجی دارد. در دوره بحران این مسیر رشد تدریجی تغییر پیدا می‌کند. برای تأمین مالی این افزایش مخارج عمومی، دولت مجبور می‌شود مالیات را افزایش دهد. با توجه به آنکه سطح قابل قبول مالیات در دوره بحران بالاتر از دوره عادی می‌شود، این افزایش مالیات مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. این اتفاق در مخارج عمومی در دوره بحران "اثر جابه‌جایی" است. اثر دیگری که پس از دوره بحران اتفاق می‌افتد و ناشی از آگاهی کامل فرد از مسائل در دوره بحران است، "اثر بازبینی" (Inspection Effect) است. دولت برای بهبود مسائل ناشی از بحران، هزینه‌های خود را توسعه می‌دهد. از آنجاکه سطح قابل قبول مالیات به سطح قبل از بحران بر نمی‌گردد، دولت قادر خواهد بود هزینه‌های افزایش‌یافته را تأمین مالی کند. البته ممکن است، به فوریت یا با تأخیر زمانی، سطح قابل قبول مالیات در سطح پایین‌تر از دوره بحران اما بالاتر از قبل از بحران قرار گیرد. ضمن آنکه حالات مختلفی قابل تصور است. بحران تأثیر دیگری با

باید تأمین مالی شود. مشخصه این مرحله رشد جمعیت است که در نهایت منجر به توسعه شهرنشینی شده و در نتیجه مجدداً افزایش مخارج عمومی را به دنبال دارد. مدل توسعه مسگریو رستو نشان می‌دهد چگونه مخارج دولت افزایش یافته و همراه با نقش دولت در اقتصاد افزایش بیشتر پیدا می‌کند.

#### ۵- دولت الکترونیک

خدمات دولت در برقراری روابطه خوب در جامعه و شکل‌گیری آگاهی‌های عمومی و رفتار جمعی نقش بسزایی دارد. ارائه خدمات عمومی و تأمین نیازهای اساسی توسط دولت باید همراه با نوآوری باشد (Stewart, 2000). دولت الکترونیکی از طریق به‌کارگیری روش‌های فناورانه در جهت انجام وظایف و مسئولیت‌های دولت، نوآوری ایجاد می‌کند. به‌منظور بهبود کارایی و ارائه با کیفیت بیشتر خدمات دولت به شهروندان، کارکنان، کسب‌وکارها و سازمان‌ها، دولت الکترونیک به‌کار گرفته می‌شود (Carter, 2005). گارتنر (Gartner, 2000) دولت الکترونیک را به چهار مرحله حضور (Presence)، تعامل (Interaction)، معامله (Transaction) و تغییر شکل (Transformation) تقسیم بندی کرد. اتوماسیون و رایانه‌سازی رویه‌های مبتنی بر کاغذ که منجر به شیوه جدید هدایت امور، روش‌های جدید طرح و تصمیم‌گیری راهبردها، معاملات تجاری، ارتباط با شهروندان و جوامع، سازماندهی و ارائه اطلاعات شده، موضوع مشترک تعاریف به‌عمل آمده از دولت الکترونیک است. اصطلاح دولت الکترونیک بر به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط دولت و تعمیم آن به همه ابعاد وظایف دولت دلالت دارد. دولت الکترونیک به چهار طریق: تسهیل ارتباط شهروندان با دولت، دریافت خدمات با کیفیت بهتر از جانب دولت توسط شهروندان، دریافت خدمات بهتر و یکپارچه‌تر توسط شهروندان با برقراری ارتباط مؤثرتر میان

عنوان "جریان عمل تمرکز" (Concentration process) بر اقتصاد می‌گذارد (پیکاک و وایزمن، ۱۹۶۷).

#### ۴- نظریه توسعه‌ای رشد مخارج عمومی مسگریو رستو

رستو (Rostow, 1960) و مسگریو (Musgrave, 1989) نظریه توسعه بر پایه رشد مخارج دولت ارائه کردند. آنان معتقدند که رشد مخارج عمومی در مراحل اولیه توسعه بسیار زیاد است، چون لازم است دولت امکانات اولیه زیربنایی را فراهم کند. بنابراین، مخارج دولت رشد چشمگیری خواهند داشت. مسگریو (۱۹۶۹) معتقد است با توجه به این واقعیت که در مراحل اولیه توسعه نیاز مبرم به تشکیل سرمایه عمومی است، نسبت سرمایه‌گذاری دولت به کل سرمایه‌گذاری اقتصاد بالا خواهد بود. در مراحل بلوغ مخارج دولت از زیربنایی به آموزشی، بهداشتی و خدمات رفاهی تغییر می‌کند. نظریه مسگریو- رستو سه مرحله را در فرایند توسعه تشخیص داد که هر مرحله با سطح معینی از مخارج عمومی همراه است. مرحله نخست مرحله اولیه توسعه است و دولت مخارج قابل توجهی به آموزش و زیرساخت‌های اقتصاد اختصاص می‌دهد. مخارج فوق به‌عنوان سرمایه بالاسری اجتماعی شناخته می‌شوند. این مخارج پیش‌نیاز رشد به‌حساب می‌آیند. در این مرحله پس‌انداز خصوصی تکافوی مخارج مورد نیاز نمی‌باشد. بنابراین، دولت باید دخالت کرده و مخارج زیر ساخت توسعه را تأمین مالی کند. مرحله دوم مرحله رشد سریع و گسترش اقتصادی است. پس‌انداز خصوصی در این مرحله افزایش زیادی دارد و سرمایه‌گذاری عمومی به نسبت کاهش می‌یابد. مرحله سوم مرحله جامعه با درآمد بالا و افزایش تقاضا برای کالای خصوصی است. قابل‌انتظار است مخارج عمومی افزایش یابد چون کالای خصوصی این مرحله نیاز به زیرساخت عمومی مکمل دارد که از طریق بوجه دولت

Stewart, J. (2000). *Cafematics: the cybercafe and the community*. In *Community Informatics*, M. Gurstein, Toronto, Idea Group.

Tanzi, Vito. (2011). *Government versus markets: The changing economic role of the state*, Cambridge University Press.

خسرو پیرائی

هیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

ارگان‌های مختلف دولت و آگاهی بیشتر شهروندان با توجه به امکان کسب اطلاعات جامع و به‌موقع از قوانین، مقررات، سیاست‌ها و خدمات دولت، کیفیت ارائه خدمات توسط دولت و مشارکت شهروندان را بهبود می‌بخشد. چهار گروه دولت، کارکنان، بخش خصوصی و شهروندان از سیستم دولت الکترونیک منتفع می‌شوند. بدین ترتیب منافع دولت الکترونیک را می‌توان در چهار زمینه: کاهش هزینه همراه با افزایش کارایی و کیفیت خدمات، ارتباط مؤثرتر میان شهروندان و دولت، افزایش کارایی کارکنان دولت و کمک کردن به شفافیت و پاسخگویی دولت خلاصه کرد.

کتاب‌شناسی

- Army, R. (1995). *The Freedom Revolution*, Washington: Regency Publishing.
- Carter, L., & Bélanger, F. (2005). "The utilization of e-government services: Citizen trust, innovation and acceptance factors", *Info Systems Journal*, 15, 5–25.
- Gartner Group. (2000). "Key Issues in E-Government Strategy and Management", *Research Notes, Key Issues*, 23 May.
- Gildenhuys, J.S.H. (1997). *Introduction to the Management of Public Finance: A South African Perspective*, Pretoria: J.L. van Schaik.
- \_\_\_\_\_. (1988). *South African public administration: past, present and future*, Pinetown: Owen Burgess.
- Esping-Andersen, Gosta. (1990). *Three Worlds of Welfare Capitalism*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Karras, Georgios. (1996). "The optimal government size: Further international evidence on the productivity of government services", *Economic Inquiry*, no. 34(2), pp.193-203.
- Musgrave, R.A. (1969) *Fiscal Systems*, New Haven: Yale University Press.
- Musgrave RA, Musgrave P. B. (1989) *Public finance in theory and practice*, New York: McGraw-Hill.
- Peacock, A. T. & Wiseman, J. (1967). *The Growth of Public Expenditure in the United Kingdom*, New Edition, London: George Allen & Unwin Ltd.
- Rahn, R. and FOX, H. (1996). *What is the Optimum size of government?*, Vernon K. Kriebel Foundation.
- Rostow, W. W. (1960). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Scully, G.W. (1994). "What Is the Optimal Size of Government in the United States?", *National Centre for Policy Analysis: Policy Report*, No. 188.